

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرارداد که از امروز درباره تقیه بحث کنیم ، تقیه یکی از اصول مذهب شیعه می باشد و کتاب و سنت و اجماع و عقل بر صحت و مشروعیت و لزوم تقیه دلالت دارند ، و اما کتاباً در قرآن کریم در سه مورد برای تقیه استدلال شده ؛ یکی آیه ۱۰۶ از سوره نحل می باشد که علامه طباطبایی (ره) در ص ۳۷۸ از جلد ۱۲ تفسیرالمیزان این آیه را مورد بحث قرار داده : « من کفر بالله من بعد ایمانه إلا من أکره وقلبه مطمئن بالإيمان ولكن من شرح بالكفر صدراً فعليهم غضب من الله و لهم عذاب عظیم » در این آیه افرادی که اکراه می شوند در حالی که قلبشان مالمال از ایمان است از افرادی که بعد از ایمان به خدا مرتد و کافر شده اند استثناء می شوند و این آیه دلالت دارد بر این که کسانی که کافر به خداوند می شوند بعد از ایمانشان خداوند آنها را با وعده عذاب تهدیدشان می کند منتهی در بین آیه یک جمله ای به طور استثناء ذکر شده که مربوط به بحث ما می شود که آن جمله این است ؛ « إلا من أکره وقلبه مطمئن بالإيمان : یعنی افرادی که قلبشان مطمئن به ایمان است ولی به خاطر اکراه و خوف با زبان و در عملشان چیزی بر خلاف آنچه که در قلبشان است می گویند تا اینکه خودشان را تحت عنوان تقیه حفظ کنند از کفار استثناء می شوند .

دوم آیه ۲۸ از سوره آل عمران می باشد : « لا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ » این آیه مثل آیات زیادی از قرآن کریم مؤمنین را از تولی کفار نهی می کند که بنابر قول تفسیر صافی این یک اصلی از اصول قرآنی می باشد یعنی در این آیه می گوید که با حب فی الله و بغض فی الله نمی سازد که مؤمنین کافرین را اولیاء خود اتخاذ کنند فلذا از این کار نهی می کند ، آیت

الله طباطبائی در ص ۱۶۱ از جلد ۳ تفسیر المیزان این آیه را مورد بحث قرار می دهد و در آنجا ولایت را به معنی مالکیت تدبیر چیزی معنی می کند مثل ولی صغیر و ولی مجنون که به این معناست که کسی که ولی مجنون و صغیر است در واقع آنها را اداره می کند و ملکیتش ملکیت تدبیر و اداره می باشد یعنی شرعاً ملکیت دارد برای تدبیر و اداره امور آن شخص خلاصه ایشان می فرمایند معنی ولایت ذاتاً همین است که عرض شد ، و اینکه در این آیه گفته شده مؤمنین کافرین را اولیاء خودشان قرار ندهند یعنی زیر سلطه کفار قرار نگیرند و اداره امور خودشان را از نظر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی به دست کفار ندهند و از آنها تأثر نپذیرند خلاصه این ولایت کفار بر مؤمنین می باشد که قرآن مؤمنین را جداً از آن نهی می کند و استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی (ره) در تفسیرشان می گویند که دو چیز است که خداوند متعال بیشتر از چیزهای دیگر در قرآن کریم مؤمنین را از آنها نهی کرده و تشدید و تأکیدی که نسبت به این دو چیز وجود دارد در هیچ موضوعی وجود ندارد یکی همین آیه یعنی قرار دادن کفار به عنوان اولیاء و دیگری بحث ربا می باشد خلاصه ایشان می فرمایند که اگر قرار باشد مؤمنین کفار را اولیاء خودشان قرار دهند کم کم امتزاج روحی پیدا می کنند یعنی دل و روحشان تحت تأثیر آداب آنها قرار می گیرد و وقتی این طور شد در برابر کفار خود باخته می شوند و این خود باختگی و سلطه پذیری باعث می شود که به دین خودشان کم کم بدبین بشوند فلذا در این آیه از این کار نهی شده منتهی باز یک استثنایی شده و گفته شده : « إلا أن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً : ایشان می فرمایند که تقیه اصلش به معنی أخذ الوقایة است یعنی انسان سپری را اتخاذ کند تا با آن خودش را حفظ کند ولی گاهی هم به معنی خوف استفاده می شود یعنی « إلا أن تخافوا منهم ، و اما در تفسیر المیزان در شأن نزول این آیه مطالب زیادی ذکر شده من جمله اینکه وقتی که اسلام آمد کفار کسانی را که به پیغمبر (ص) ایمان می آوردند و مسلمان می شدند مورد آزار و اذیت قرار می دادند و مکانهایی را به عنوان شکنجه گاه داشتند که آنها را به آنجا می بردند و شکنجه می دادند یکی